

ابعاد و مؤلفه‌های امنیت فرهنگی از منظر امام خمینی (ره)

سلیمان علیزاده^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۵/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۸/۱۰

چکیده

امنیت، از ضروریات رشد و توسعه‌ی حیات بشر و دارای ابعاد متنوع است. در این مقاله به امنیت فرهنگی که اساسی‌ترین بعد امنیت است، پرداخته شده است. امنیت فرهنگی از پیچیده‌ترین مفاهیم و با تعاریف متنوع است. در این مقاله با انتخاب تعریف سلیبی و ایجابی از واژه‌ی امنیت، فرهنگ و ترکیب امنیت فرهنگی این مفاهیم را به روش تحلیل محتوا با این سؤال که ابعاد و مؤلفه‌های امنیت فرهنگی در آثار امام خمینی (ره) چیست؟ دنبال کرده‌ایم. امام (ره) در نگاه انسان شناختی معتقد به وجود دو فطرت روحانی و طبیعی و دو گروه از قوای عقل و جهل در انسان است و باطن انسان را منشأ همه‌ی رفتارهای انسان می‌داند و انسان را تربیت پذیر و اسلام را کامل‌ترین آموزه برای تربیت انسان می‌داند. امام، فرهنگ را اساس جامعه، و همه‌ی امور جامعه را وابسته به آن می‌داند و فطرت طبیعی و قوای جهل را تهدیدکننده‌ی همه‌ی ابعاد از جمله فرهنگ، می‌داند و مظاهر بیرونی تهدیدات را تابعی از درون انسان بر می‌شمرد و در مقابل، فطرت روحانی و قوای عقل را تأمین‌کننده‌ی امنیت فرهنگ معرفی می‌کند. لذا برای تأمین امنیت فرهنگی، بر اصلاح درونی تأکید دارند و اقدامات سلیبی و ایجابی درونی را بر اقدامات بیرونی، ارجح می‌دانند.

کلید واژه‌ها: امنیت، فرهنگ، امنیت فرهنگی، فطرت روحانی و طبیعی، قوای عقل و جهل

مقدمه

فرهنگ به واسطه‌ی نقش و اهمیتی که در جامعه دارد همواره مورد توجه رهبران بوده است و حضرت امام (ره) با وقوف کامل به این نقش، توانست انقلاب اسلامی - که یک انقلاب فرهنگی است - را معماری، هدایت و به کمال برساند. از این‌رو، فرهنگی که چنین نقشی را در جامعه ایفا می‌کند، می‌تواند از جهات مختلف، مورد تهدید قرار گیرد که امنیت این فرهنگ، موضوعیت می‌یابد و فهم و درک نظر امام خمینی (ره) به عنوان معمار انقلاب فرهنگ، محور برای امنیت این فرهنگ، ضروری به نظر می‌رسد.

در ضمن دیدگاه‌های سلبی حفظ محور «امنیت فرهنگ» و دیدگاه ایجابی توسعه محور «امنیت فرهنگی» و هنجارساز «فرهنگ امنیتی» پیرامون امنیت فرهنگی نیز مطرح است که در این مقاله سعی شده تا به روش تحلیل محتوا، ابعاد و مؤلفه‌های امنیت فرهنگی در نگاه امام خمینی (ره) از آثار ایشان استخراج نماییم؛ بنابراین سؤال اصلی این مقاله این است که؛ ابعاد و مؤلفه‌های امنیت فرهنگی از منظر امام خمینی (ره) چیست؟

۱- تبیین مفاهیم:

۱-۱- امنیت:

برخلاف معنای لغوی، در سطح اصطلاحی، برای امنیت معنای اجماعی وجود ندارد؛ ولی دو تعریف امنیت سلبی و ایجابی توسط دکتر افتخاری ارائه شده که در زیر به آن اشاره می‌شود.

امنیت سلبی: وضعیتی که در آن، منافع بازیگر از سوی بازیگران مورد تهدید واقع نشده و یا در صورت وجود تهدید احتمالی، امکان مدیریت آن برای بازیگر (هدف) وجود داشته باشد.

امنیت ایجابی: وضعیتی است که در آن، بین خواسته‌ها و داشته‌ها در یک واحد سیاسی معین، با ضریب ایدئولوژیک (آن واحد) تعادلی وجود دارد که نزد بازیگران (آن واحد) تولید رضایت می‌نماید (افتخاری، ۱۳۹۱: ۸۱-۸۴)

۱-۲- فرهنگ:

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دو فراز فرهنگ را این گونه معنی نموده‌اند: «فرهنگ به معنای خاص برای یک ملت؛ عبارت از ذهنیات، اندیشه‌ها، ایمان‌ها، باورها، سنت‌ها، آداب و ذخیره‌های فکری و

ذهنی است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۲/۵/۵) بخش عمده‌ی فرهنگ، همان عقاید و اخلاق یک فرد یا یک جامعه است. رفتارهای جامعه هم که جزو فرهنگ عمومی و فرهنگ یک ملت است، برخاسته از همان عقاید است. در واقع، عقاید یا اخلاق، رفتارهای انسان را شکل می‌دهند. (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۹/۱۹)

امنیت فرهنگی:

امنیت فرهنگی ترکیبی وصفی است که دو مفهوم را در ذهن متبادر می‌کند، ابتدا امنیتی که از طریق فرهنگ ایجاد می‌شود؛ یعنی اگر بخواهیم در جامعه‌ای امنیت پایدار ایجاد کنیم باید بر مبنای فرهنگ آن جامعه، امنیت ایجاد کنیم که به آن «امنیت فرهنگی» شده هم می‌گویند و دیگر فرهنگ، که یکی از مؤلفه‌های قدرت ملی است باید تلاش شود امنیت آن تأمین گردد، که این تلاش امنیت فرهنگی نامیده می‌شود.

امنیت فرهنگی عبارت است از وضعیتی مطمئن، آرامش بخش و عاری از هرگونه تهدید و تعرض در انسان، نسبت به دین، افکار، اخلاق، آداب و رسوم، باورها، ارزش‌ها، میراث فرهنگی، آثار ادبی و... است؛ به عبارت دیگر، مصونیت فرهنگ فرد و جامعه از هر گونه تعرض و تهدید را امنیت فرهنگی گویند.

امنیت فرهنگی در معنای عینی آن، فقدان تهدید به میراث فرهنگی و آثار و ارزش‌های کسب شده است و در معنای ذهنی آن، فقدان ترس از هجمه‌ها و حلقه‌هایی است که ارزش‌ها، آداب و رسوم، اعتقادات و باورها را در معرض خطر استحاله و یا نابودی قرار می‌دهد. (صالحی امیری، ۱۳۸۶: ۵۶)

اما «فرست» معتقد است: امنیت فرهنگی صرفاً از طریق نبودن تهدید، محقق نمی‌شود و به لحاظ این که مفهومی اجبابی است، از دیگر حوزه‌های مطالعات امنیتی که بر مفاهیم سلبی استوارند، متمایز می‌شود. در نتیجه، امنیت فرهنگی از طریق مراقبت‌های فعال یک فرهنگ و ارتقای شرایط پیشینی لازم، برای رشد و توسعه‌ی سازگاری‌های آن، حاصل می‌شود. (فرست، ۲۰۰۴: ۳) از نظر «فرست» امنیت فرهنگی، ظرفیت یک جامعه برای حفاظت از ویژگی‌های خاص خود در مقابل تغییر شرایط و تهدیدهای مادی و معنوی است. به عبارت دقیق‌تر، تعریف امنیت فرهنگی؛ شامل بقای الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، پیوستگی، هویت و آداب و رسوم دینی یا ملی یا اجازه دادن به تغییرات قابل قبول است. (فرست، ۲۰۰۴: ۲)

از نگاه «ماندل» امنیت فرهنگی دلالت بر میزان تحمل، انسجام و همزیستی مسالمت‌آمیز هویت‌های فرهنگی در درون یک جامعه دارد. نکته اساسی در فراسوی این بعد از امنیت، توانایی جامعه برای تداوم بخشیدن به ویژگی بنیادی خود، تحت شرایط متحول و در مقابل تهدیدهای احتمالی یا واقعی است. (آشا، ۱۳۷۹: ۸۱)

۲- امنیت فرهنگ در نظریه‌های امنیتی:

در نظریه‌های امنیتی سنتی، مانند رئالیست و ایدالیست که بر امنیت دولت تاکید دارند و تعریف مضیقی از امنیت ارائه می‌دهند؛ توجهی به امنیت فرهنگی ندارند.

ولی مکتب امنیتی کپنهاک که مبتنی بر نظرات باری بوزان، ال ویور، دو ویلد و برخی دیگر است، با توسعه‌ی تعریف امنیت و خارج کردن آن از تک بعدی (نظامی) به پنج بخش نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی توسعه داده شده، (عبداله‌خانی، ۱۳۸۳: ۱۴۷-۱۴۴) به امنیت فرهنگی پرداخته شده است، مطابق دیدگاه «بوزان» و طرفداران این نگاه، امنیت فرهنگی، حفظ فرهنگ ملی در مقابل کشورهای است که برای جدایی هویت فرهنگی و قومی بین گروه‌ها در کشورهای هدف تلاش می‌کنند؛ لذا، این نوع نگاه در موضوع فرهنگ، حفظ محورند و در نگاهی سلبی باید با همه این تلاش‌ها مقابله شود تا اطمینان حاصل گردد که اگر هیچ تلاشی، امنیت فرهنگ را تهدید نکند در این صورت امنیت فرهنگی برقرار است. این رویکرد به طور طبیعی نگاهی بدبینانه نسبت به بیگانگان ایجاد می‌کند و هرگونه تعامل و ارتباط از جمله جهانی شدن را تهدید تلقی می‌کند.

به مرور، مفهوم امنیت فرهنگی در مکتب‌های امنیت مطرح و توسعه یافت و با سازه‌انگاران به شکل مستقلی برجسته شد. مهم‌ترین اثر برجسته طرح دیدگاه‌های سازه‌انگاران، کتاب فرهنگ امنیت ملی، نوشته‌ی کاتزنشتاین است. درون مایه‌ی اصلی این کتاب بر منافع امنیت ملی توسط بازیگرانی تعریف می‌شود که به عواملی فرهنگی، پاسخ می‌دهند. البته این بدان معنا نیست که کاتزنشتاین، قدرت به معنای قابلیت‌های مادی را در تجزیه و تحلیل امنیت ملی بی اهمیت می‌داند، بلکه معتقد است آن دسته از دلایلی که دولت‌ها و بازیگران سیاسی را به قدرت و امنیت متصل می‌سازد و در تشریح رفتارهای آن‌ها موثر است، عوامل فرهنگی می‌باشد. (همان منبع: ۱۹۱-۱۸۲)

بعد از طرح جهانی‌سازی در دهه هشتاد و نود و خصوصاً توسعه‌ی محور فرهنگی آن، در جوامع مختلف، برخی نظریه‌پردازان مدعی هستند که واکنش فرهنگی در برابر فرآیند جهانی شدن، در بیشتر موارد با مقاومت و حتی مقابله‌ی پرتش همراه است که معمولاً در قالب توسل به عناصر هویت‌بخشی زبانی، دینی، قومی و نژادی، نمود می‌یابد. به بیان دیگر فرآیند جهانی شدن در عین حال که جنبه‌هایی از زندگی در دنیای مدرن را یک دست کرده، تفاوت‌های فرهنگی و هویتی را نیز تقویت و احیا می‌کند. از این رو منتقدان تجدد، جهانی‌شدن را آغاز عصری جدید می‌دانند که با فرهنگی‌شدن زندگی و برجسته‌تر شدن هویت‌های گوناگون اجتماعی ویژگی می‌یابد. مدافعان تجدد هم در قالب مفاهیمی؛ مانند: ضدیت با دموکراسی، احیای قبیله‌گری و بنیادگرایی به این واقعیت اعتراف می‌کنند. (گل‌محمدی، ۱۳۸۳: ۸۴)

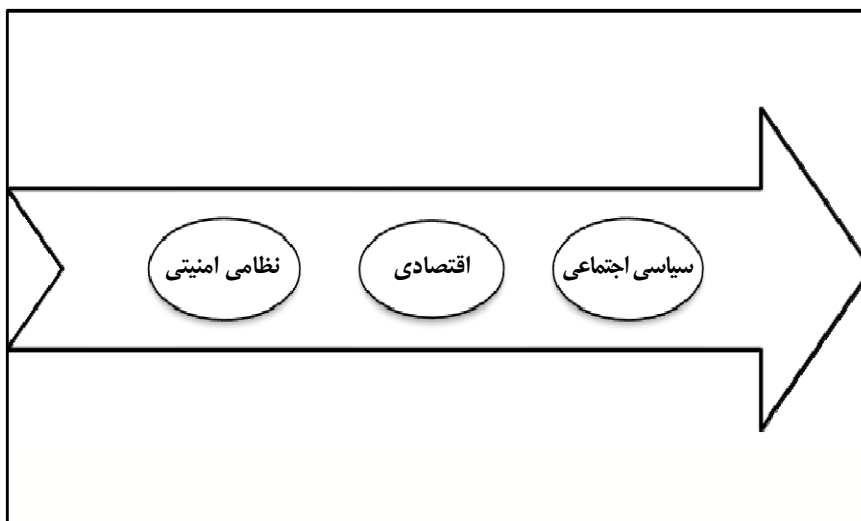
امنیت فرهنگی در نگاه امام خمینی (ره)

در آثار امام خمینی (ره) از واژه‌ی امنیت فرهنگی و امنیت فرهنگ استفاده نشده است ولی ۲۴۸ بار از واژه امنیت در چهار بخش: ۱۱۷ بار اسم دستگاه اطلاعات و امنیت کشور (سا. و. ا. ک) که عمدتاً در طول مبارزه و سال‌های اول انقلاب بود؛ ۴۲ بار، شورای امنیت سازمان ملل؛ ۱ بار، مشاور امنیت ملی کاخ سفید؛ و ۸۸ بار، از واژه امنیت به مفهوم امنیت کشور، امنیت فردی و اجتماعی استفاده کرده است. همچنین امام خمینی (ره) ۱۴۲۸ بار از واژه فرهنگ و مشتقات آن استفاده کرده و ترکیباتی مانند: فرهنگ غرب، فرهنگ اسلام، فرهنگ استعماری و... ۲۰۵ بار استفاده نموده‌اند.

قابل ذکر است که حضرت امام (ره) به واسطه اینکه فرهنگ، عنوان آموزش و پرورش پیش از انقلاب بود واژه فرهنگ را در تعدادی از فرازها برای این دستگاه به کار برده‌اند ولی در منظوری که استعمال شده با سایر منظوره‌های واژه فرهنگ مشترک است؛ به عنوان مثال امام خمینی (ره) بیان می‌فرماید: «که ما صد سال است که فرهنگ داریم» منظور، همان وزارت فرهنگ است؛ ولی بعد که می‌فرماید چون این فرهنگ استعماری است و وابسته هست همان وابستگی فرهنگی هم منظور نظر است.

امام خمینی (ره) برای فرهنگ اهمیت زیر بنایی قائل است و معتقدند: «فرهنگ» در رأس، امور تقریباً واقع شده است. (امام خمینی (ره)، ۱۳۵۸، ج ۱۲: ۴۷) و فرهنگ را به مثابه پنداشته که سایر ابعاد در آن قرار دارند و معتقد است «والا ترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ، هر چند که جامعه، قدرتمند و قوی در ابعاد اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی باشد ولی پوچ و میان تهی است. اگر فرهنگ جامعه‌ای وابسته و مرتزق از فرهنگ مخالف باشد، ناچار دیگر ابعاد آن جامعه به جانب مخالف، گرایش پیدا می‌کند و بالاخره در آن هضم می‌شود و موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می‌دهد. استقلال و موجودیت هر جامعه از استقلال فرهنگ آن نشأت می‌گیرد. ساده‌اندیشی است که گمان شود با وابستگی فرهنگی، استقلال در ابعاد دیگر یا یکی از آن‌ها امکان‌پذیر است. (امام خمینی (ره)، ۱۳۶۰، ج ۱۵: ۲۴۳) در ادامه امام (ره) می‌فرماید: «بی‌جهت و من باب اتفاق نیست که هدف اصلی استعمارگران که در رأس تمام اهداف آنان است، هجوم به فرهنگ جوامع زیر سلطه می‌باشد.» همچنین معتقد است «فرهنگ، مبدأ همه خوشبختی‌ها و بدبختی‌های ملت است» (امام خمینی (ره)، ۱۳۵۶، ج ۳: ۳۰۶) و «ملت با فرهنگش زندگانی سیاسی می‌تواند بکند.» (امام خمینی (ره)، ۱۳۵۷، ج ۴: ۱۳۴) «آن چیزی که ملت‌ها را می‌سازد فرهنگ صحیح است» (امام خمینی (ره)، ۱۳۶۱، ج ۱۷: ۱۵۳).

از منظر امام (ره)، اسلام (شیعه) برترین و کامل‌ترین و صحیح‌ترین فرهنگ‌ها و دارای نظام فرهنگی خاص است؛ بنابراین، امنیت فرهنگی به مفهوم حفظ این فرهنگ از غیر (سلبی) و تقویت و توسعه فرهنگ اسلام (ایجابی) می‌تواند از اهمیت ویژه برخوردار باشد.



نمودار ۱- نقش فرهنگ برای سایر ابعاد جامعه از منظر امام (ره)

از نوع شیوه نگرش امام (ره) به سه موضوع فرهنگ اسلامی، انسان و تهدیدها؛ می‌توان نوع رویکرد ایشان به امنیت فرهنگی را دریافت نمود:

الف) فرهنگ اسلامی: امام خمینی (ره) هر جا از فرهنگ خودی و فرهنگ ایران و نظایر آن سخن به میان می‌آورد مشخصاً منظور، فرهنگ اسلام است، ایشان برای فرهنگ اسلام نسبت به سایر فرهنگ‌ها اصالت قائل است. همچنین او فرهنگ اسلامی را غنی و بی‌نیاز از فرهنگ‌های دیگر می‌داند و می‌فرماید «فرهنگ ما، فرهنگی غنی است.» و صراحتاً اشاره می‌کند که سایرین به فرهنگ اسلام نیازمند هستند، «امروز جهان تشنه فرهنگ اسلام ناب محمدی است.» (امام خمینی (ره)، ۱۳۶۷، ج ۲۱: ۷۴) به باور امام خمینی (ره) فرهنگ اسلامی هیچ کاستی و نقصانی ندارد و معتقدین به این فرهنگ باید در جهت توسعه و تعمیق آن در جوامع دیگر تلاش کنند و نیاز آن‌ها را برآورده کنند و این‌گونه نگاه به فرهنگ، نوعی امنیت ایجاد خواهد کرد چون توسعه فرهنگ، نوعی امنیت افزایی است.

ب) **انسان شناسی:** از منظر امام (ره) انسان خلاصه و برگردان همه خلقت است «انسان عصاره تمام عالم و تمام موجودات است» (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۱: ۳۰۳) از این رو اشرف مخلوقات و دارای مقام بالقوه خلیفه الهی است به عبارت دیگر در همه حال، انسان در مرحله شدن است و دو قوه‌ی عقل و جهل در او با لشکریان متنوع در جنگ هستند و ریشه همه نوع نا امنی از جمله فرهنگی در قوای جهل و ریشه‌ی امنیت را در قوای عقلانیت می‌داند. می‌توان گفت هر آنچه مربوط به انسان است در درون انسان می‌باشد. (نک، شرح جنود عقل و جهل) این نوع نگاه به انسان زمینه‌ای شده تا امام (ره) مشکلات همه ابعاد بشریت را با این نگاه چاره‌جویی کند.

ج) **تهدیدها:** امام خمینی (ره) برای همه موضوعات از جمله فرهنگ دو گونه تهدید قائل است:

۱- تهدید درونی؛ تهدیدی است که از نوع انسان شناسی امام (ره) نشأت می‌گیرد و امام (ره) جنود جهل لشکریان و شیطان را عامل این نوع تهدید می‌داند.

۲- تهدیدات بیرونی؛ تلاش سازمان‌یافته دشمنان فرهنگ اسلامی است که در اشکال متنوع تهاجم فرهنگی تجلی می‌یابد و از منظر امام (ره) این تهدیدها از خوی استکباری و استیلا طلبی قدرت‌های بزرگ نشأت می‌گیرد که این خصلت‌ها نیز ریشه در هوای نفسانی انسان دارد که از جمله جنود جهل هستند.

در مجموع این تهدیدها لایه‌هایی از یک نوع تهدید در موضوع امنیت فرهنگی هستند؛ که صورت درونی آن ریشه در درون انسان و از جنود جهل، شیطان و نفس بهیمیه انسان نشأت می‌گیرد و صورت بیرونی آن به شکل تهاجم فرهنگی و انحرافات و سایر مظاهر آن، توسط سردمداران استکبار جهانی و طرفداران منطقه‌ای و داخلی آن‌ها به عمل می‌آید به عبارت دیگر این دو تهدید در طول هم قرار دارند زیرا به اعتقاد امام (ره) همه خیر و همه شر ریشه در درون انسان دارد بهمین جهت امام خمینی (ره) برای تهدید درونی نسبت به تهدید بیرونی اصالت قائل است و معتقدند که تهدیدهای بیرونی جلوه‌هایی از گرایش‌های درونی است.

همچنین امام خمینی (ره) با نظریه دو فطرت این مورد را تکمیل می‌کند که انسان دارای دو فطرت مخموره رحمانی و فطرت محجوبه ظلمانی است و هر کدام در ذیل، خود عشق به کمال و تنفر از نقص را دارند ولی هر یک در خصوص عالم خود، مطابق جدول زیر: (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۷: ۷۹)

جدول ۱- نظریه دو فطرت امام خمینی (ره)

شقوق هر یک از فطرت‌ها			انواع فطرت
فطرت عشق به کمال حقیقی	اصلی	وجهه به عالم غیب و روحانیت	فطرت مخموره
فطرت تنفر از نقص	تبعی		
عشق به کمال غیر حقیقی تنفر از نقص غیر حقیقی	نفس بهیمی	وجهه به عالم شهادت و طبیعت	فطرت محبوبه
عشق به کمال غیر حقیقی تنفر از نقص غیر حقیقی	نفس سبعی		
عشق به کمال غیر حقیقی تنفر از نقص غیر حقیقی	نفس وهمی		

نکته قابل توجه اینکه، اگر مبنای فرهنگ را بر هر یک از این وجوه فطرت، بگذاریم بر همان مبنای امنیت فرهنگی تعریف می‌شود. به عبارتی یک فرد با باور مادی مطابق فطرت خود و انسان موحد هم براساس فطرت نیز امنیت فرهنگی خویش را تعریف می‌کند.

بنابراین تعریفی که می‌توان از نگاه امام خمینی(ره) در موضوع امنیت فرهنگی ارائه داد؛ عبارت است از: «تلاش در جهت حفظ باورهای دینی مبتنی بر قوای عاقله روحانی و تقویت جنبه کمال طلبی حقیقی و ترد و پیرایش باورهای نفسانی و جلوگیری از حاکمیت قوای جاهله طبیعی بر افراد و جامعه»
بر اساس این تعریف ابعاد امنیت فرهنگی را می‌توان به دو بعد: روحانی و طبیعی تقسیم کرد.

۱-۲- بعد روحانی امنیت فرهنگی (رویکرد ایجابی):

۱-۱-۲- تزکیه و تعلیم

جامعه برای ایجاد رفتارهای بهنجار نیازمند آموزش است آنچه در دوام، ارتقاء و تضمین رفتارها موثر است تزکیه است شهید مطهری در تفسیر آیه ۲ سوره جمعه می‌فرماید: «در کنار تلاوت آیات الهی، تزکیه و تعلیم وحی، به عنوان عامل مؤثر در جهت رهایی انسان از ضلالت مطرح است». همچنین می‌فرماید «عنصر اراده و تقویت آن از طریق ایمان، تقوا و تزکیه، دارای اهمیت است». (مطهری، ۱۳۷۲: ۳۴۹)

نظریه امام خمینی (ره) مبتنی بر ساخت انسان فرهنگی است. ایشان موضوع انسان فرهنگی را به عنوان اصلی‌ترین جوهر فرهنگ قلمداد نموده و تکامل نظام اجتماعی را مستلزم ساخت انسان فرهنگی می‌داند. در حقیقت امام خمینی(ره) پویایی فرهنگی را در معنای اصیل آن، تعلیم و تربیت، تزکیه نفس به

طهارت روح و عمل حسنه تبیین نموده و با استناد به تعالیم عالیه اسلام، فرهنگ را اساس جامعه می‌دانند. نقش تزکیه در ارتقاء حقیقی انسان فرهنگی در بیانات و آثار امام (ره) کاملاً برجسته است و ایشان برای تزکیه جایگاهی خاص قائلند و با توجه به اعتقادشان در وجود قوای عقل و جهل و جدال دائمی در درون انسان راه برون رفت و تکامل و سعادت را تزکیه مقدور می‌دانند تزکیه را در تربیت، واپایش، هدایت و در رسیدن به هدف عالی نه تنها موثر بلکه تنها راه می‌دانند.

در مجموع ایشان معتقدند:

- تربیت و کسب سعادت بشر با تزکیه ممکن است و انبیاء، اولیا و قرآن برای تزکیه بشرند.
- مهار قوای سرکش، جلوگیری از طغیان بشر و واپایش نفس اماره با تزکیه ممکن است.
- عالم تزکیه نشده خطرناک و تعلیم بدون تزکیه مضر است به همین دلیل تزکیه مقدم بر علم است.
- انسان هرچه مقامش بالاتر باشد نیاز به تزکیه در او بیشتر است تمام گرفتاری ملت‌ها از سران تزکیه نشده است

- انبیا به واسطه تزکیه است که با هم اختلاف ندارند (نک صحیفه امام)

امام خمینی (ره) فرهنگ را اساس جامعه و همه امور جامعه را وابسته به آن می‌داند و تعالی انسان و جامعه انسانی را فقط در گرو فطرت مخموره و کمال طلبی حقیقی می‌داند و این را سعادت حقیقی بشر تعریف می‌کند راه وصول به این سعادت را تزکیه معرفی می‌کند.

از این منظر تزکیه، پایه‌ی اصلی فرهنگ دینی جامعه است به عبارت دیگر جامعه تزکیه نشده جامعه دینی و به تبع جامعه فرهنگی تعالی جو نیست بنابراین هر میزان که جامعه تربیت و تزکیه دینی شود به همان میزان جامعه فرهنگی است.

در مجموع امنیت فرهنگی ارتباط وثیقی با تزکیه انسان دارد هرچه تربیت و تزکیه در جامعه بیشترشود، امنیت باورهای تعالی جو یانه حقیقی بیشتر می‌شود و در نتیجه پایداری امنیت فرهنگی افزایش خواهد یافت.

۲-۱-۲- تحول در فرهنگ

گام اول در تحول فرهنگی جامعه برای رسیدن به فرهنگ انسانی، تحول در نیروی انسانی است؛ لذا معلمان و اساتید و کارگزاران فرهنگی که متولی تربیت می‌باشند باید متحول شوند؛ زیرا از منظر امام (ره) تربیت مبتنی بر تزکیه اساسی‌ترین نقش را در استقلال و سعادت جامعه دارد و تربیت باید توسط کسانی انجام شود که خود از سابقه صحیح برخوردار بوده و معتقد به استقلال فرهنگی باشند. بنابراین برای تحول فرهنگی جامعه باید معلمان و اساتید استقلال باور را بکار گرفت؛ و می‌فرماید:

«این فرهنگ باید متحول بشود. فرهنگ استعماری، فرهنگ استقلالی بشود. باید معلمینی که در این فرهنگ یا در تمام قشرهای اساتید و - عرض می‌کنم - این‌ها باشد انتخاب بشوند و اشخاص صحیح، سالم، کسانی که جوان‌های ما را تربیت صحیح بکنند ... باید فرهنگ متحول بشود به یک فرهنگ سالم، به یک فرهنگ مستقل، و یک فرهنگ انسانی». (امام خمینی (ره)، ۱۳۵۷، ج ۶: ۳۹۶)

گام دیگر تحول در فرهنگ، تغییرات نرم افزاری و تغییرات بنیادی در روش و برنامه‌های دستگاه فرهنگ و مراکز آموزشی است؛ به نوعی که منجر به تحول فکری و روحی شود.

«یکی از مسائل بسیار مهم در تمام دستگاه‌ها، خصوصاً دانشگاه‌ها و دبیرستان‌ها، تغییرات بنیادی در برنامه‌ها، خصوصاً برنامه‌های تحصیلی، و روش آموزش و پرورش است، ... ولی بدون تغییرات صحیح بنیادی و تحول فرهنگی و علمی امکان تحول فکری و روحی نیست» (امام خمینی (ره)، ۱۳۵۸، ج ۱۰: ۸۱)

امام (ره) حساسیت فوق‌العاده‌ای نسبت به دانشگاه دارند و دانشگاه را عامل تخریب و سازندگی کشور می‌داند و معتقدند که اگر دانشگاه اصلاح شود کشور اصلاح می‌شود:

«اما مسئله دانشگاه یک مسأله فوق‌العاده است که این افرادی که از دانشگاه در می‌آیند یا مخرب یک کشوری هستند یا سازنده آن کشور هستند، و در کشور ما، یا رو به اسلام می‌برند کشور ما را، یا منحرفش می‌کنند.» (امام خمینی (ره)، ۱۳۵۸، ج ۱۹: ۴۴۳) «آقایان می‌دانید که دانشگاه یک کشوری اگر اصلاح بشود آن کشور اصلاح می‌شود؛ ... اگر دانشگاه در خدمت غرب واقع بشود کشور در خدمت غرب است.» (امام خمینی (ره)، ۱۳۶۰، ج ۱۵: ۴۲۹).

امام (ره) اسلامی شدن دانشگاه را به معنی توانایی دانشگاه به جداشدن از وابستگی غرب و شرق می‌داند و خطر دانشگاه وابسته را از تحریم اقتصادی و دخالت نظامی هم بدتر می‌داند و می‌فرماید:

«معنی اسلامی شدن دانشگاه این است که استقلال پیدا کند و خودش را از غرب جدا کند و خودش را از وابستگی به شرق جدا کند و یک مملکت مستقل، یک دانشگاه مستقل، یک فرهنگ مستقل داشته باشیم. عزیزان من، ما از حصر اقتصادی نمی‌ترسیم.

ما از دخالت نظامی نمی‌ترسیم. آن چیزی که ما را می‌ترساند وابستگی فرهنگی است. ما از دانشگاه استعماری نمی‌ترسیم. ما از دانشگاهی می‌ترسیم که جوان‌های ما را آن طور تربیت کنند که خدمت غرب بکنند.» (امام خمینی (ره)، ۱۳۵۹، ج ۱۲: ۲۵۰)

۳-۱-۲- استقلال فرهنگی

گام اساسی دیگر در امنیت فرهنگی، استقلال فرهنگی است. امام (ره) فرهنگ را اساس استقلال کشور و استقلال فرهنگی را گام نخست استقلال کشور می‌داند، و معتقدند استقلال کشور در گرو استقلال فرهنگی است و استقلال فرهنگی منجر به استقلال فکری می‌شود؛ و می‌فرماید:

«ما اگر بخواهیم مستقل باشیم باید اول افکارمان را مستقل کنیم، یعنی از آزادی فکری [آغاز کنیم] یک آزادی خارجی هست که کسی به آن تعرضی نکند، حالا یک همچو آزادی هست، اگر بگذارند. اما آزادی فکری این است که انسان در فکرش آزاد و بدون اینکه متمایل به یک طرف باشد فکر کند، ... ما باید افکارمان را آزاد کنیم تا برداشت‌های علمی‌مان آزاد باشد. ما باید بفهمیم این را که ما خودمان فرهنگ داریم، یک فرهنگ غنی داریم، و فرهنگمان از خارج بهتر است و ما باید کوشش کنیم به اینکه بنای بر این الآن بگذاریم، همه بنای بر این بگذاریم که خودمان را از غیر منفصل کنیم، مستقل کنیم» (امام خمینی (ره) ۱۳۵۸، ج ۱: ۱۸۰)

«عمده این است که فرهنگ یک فرهنگ متحول بشود؛ یک فرهنگی که از آن غرب‌زدگی بیرون بیاید. همه چیزمان باید این طور بشود. استقلال فکری، استقلال باطنی، داشته باشد. علاوه بر اینکه استقلال باید داشته باشد و کسی در فرهنگ دخالت نباید بکند، باید استقلال فکری داشته باشد؛ خودش مستقل و آزاد و روی پای خودش باشد. این طور نباشد که توجهش به این باشد که غرب چه می‌کند» (امام خمینی (ره) ۱۳۵۸، ج ۹: ۷۵)

امام (ره) استقلال از فرهنگ بیگانه را فقط به واسطه خارجی بودن نیست که ترد می‌کند بلکه به واسطه اینکه فرهنگ غرب را منبعث از فطرت محجوبه و نتیجه‌ی تلاش قوای طبیعی جاهله انسان می‌داند و به دلیل اینکه این فرهنگ در نهایت منجر به مسخ و دوری از تعالی انسان می‌شود، وابستگی به آن را نادرست می‌داند. به همین جهت از واژه «استقلال باطنی» که همان باور به غلط بودن فرهنگ غرب و صحیح بودن فرهنگ اسلامی است تاکید دارد از این رو در موضوع استقلال فرهنگی، نه بثورت ظاهری، بلکه به استقلال حقیقی و بسیار عمیق، معتقد هستند.

۴-۱-۲- هویت (بازگشت به هویت اسلامی)

هویت، غالباً به معنای حقیقت شی یا شخص به کار می‌رود. بیشتر روانشناسان هویت را نقطه مقابل بی‌هویتی یا گم‌کردن خویش قرار می‌دهند (محقق VOM.ir) یکی از اقدامات استعمار نو، تغییر هویت ملت‌های دارای پیشینه است که با برنامه استعمار بیرونی و استبداد داخلی در مورد ایران محقق شد و باعث

دور ماندن ملت ایران از گذشته و فرهنگ دینی خود شد. در واقع هویت ایران مفقود گردید و امام (ره) تنها راه رسیدن به استقلال و آزادی ملت را پیدا کردن خود و بازگشت به فرهنگ غنی می‌داند و می‌فرماید:

«اگر ما بخواهیم استقلال پیدا کنیم، آزادی پیدا کنیم، مملکت خودمان را خودمان اداره کنیم، باید خودمان را پیدا کنیم، گم کردیم ما خودمان را، باید پیدا بکنیم خودمان را، باید از این غرب‌زدگی بیرون برویم» (امام خمینی (ره)، ۱۳۵۸، ج ۱۰: ۳۸۶)

امام (ره) نه تنها از هویت مستقل فرهنگی استقبال می‌کند بلکه معتقد است باید مستقل از آن‌ها، هویت اسلامی خود را به جهان عرضه کنیم و می‌فرماید:

«باید ایرانی بسازیم که بتواند بدون اتکا به امریکا و شوروی و انگلستان - این جهان خواران بین‌المللی - استقلال سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی خویش را به دست گیرد و روی پای خود بایستد و هویت اصیل خویش را به جهان عرضه کند.» (امام خمینی (ره)، ۱۳۵۸، ج ۹: ۲۴)

امام (ره) نه تنها به هویت و استقلال ایران اسلامی بلکه به دنبال احیای هویت اسلامی مسلمانان جهان است به عبارت دیگر در پی تغییر در هندسه قدرت جهانی است و به معنی واقعی به دنبال ایجاد امت اسلامی جهانی است و این را وظیفه نظام جمهوری اسلامی می‌داند و می‌فرماید:

«من به صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کند؛ و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه طلبی و فزون طلبی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد. ما باید برای پیشبرد اهداف و منافع ملت محروم ایران برنامه‌ریزی کنیم. ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم؛ و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم. ما اعلام می‌کنیم که جمهوری اسلامی ایران برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده جهان است.» (امام خمینی، ۱۳۶۷، ج ۲۱: ۷۴)

امام (ره) معتقد است اسلام دارای فرهنگی مترقی است و اگر مسلمانان به هویت اسلامی برگردند نه تنها دست‌آورد را از کشورهای شآن کوتاه می‌کنند بلکه مانند صدر اسلام بر دیگر کشورها غلبه می‌کنند:

«من امیدوارم که همه ملت‌های اسلامی به سوی فرهنگ اسلام بازگردند و این آیین را به کار گیرند. زیرا که اسلام فرهنگی است مترقی؛ و امیدوارم که همه در خط اسلام باشند تا از سلطه استعمار بیرون بیایند. امیدواریم این نهضتی که در ایران تحقق پیدا کرده در خدمت مردم با توجه به خدا، در میان جوامع اسلامی تحقق پیدا کند. این جوامع دست‌آورد را از کشورهای خود قطع کنند؛ و مسلمین کیان خودشان را

به دست آورند. همان طور که در صدر اسلام مسلمین با فرهنگ غنی که داشته‌اند بر دیگر کشورها غلبه کردند.» (امام خمینی (ره)، ۱۳۵۸، ج ۸: ۳۵۸)

و هشدار می‌دهد که اگر متحد نشوید، هویت خود را درنیابید و اگر به اسلام تکیه نکنید دو باره شما را به گذشته برمی‌گردانند و بشارت می‌دهد که اگر این‌گونه نباشید نصرت خدا شامل حال شما می‌شود و می‌فرماید:

«بتازید و هویت خویش را دریابید و بدانید که روشنفکران اجیرشده بلایی بر سر ملت و مملکت‌شان آورده‌اند که تا متحد نشوید و دقیقاً به اسلام راستین تکیه ننمایید، بر شما آن خواهد گذشت که تا کنون گذشته است.» (امام خمینی (ره)، ۱۳۵۹، ج ۱۳: ۲۰۷)

در مجموع، امام (ره) اسلام را علی‌رغم تنوع در قومیت، نژاد، رنگ، آداب، جغرافیا و زبان، محور وحدت مسلمان می‌داند و فقط بر هویت اسلامی تأکید می‌کند و معتقد است اسلام با فرهنگ غنی و قوی که دارد قادر است نه تنها در کشورهای اسلامی بلکه بر کشورهای دیگر جهان پیروز شود، مشروط به اینکه، مسلمانان بر محور اسلام و ذیل امر رسول خدا (ص) وحدت داشته باشند و با خود شناسی به خود باوری و خود اتکایی برسند و آنگاه هویت اسلامی خود را به جهان عرضه کنند.

الف) خودشناسی:

حضرت امام (ره) در موضوع خود شناسی از واژه‌های «معرفت نفس»، «خود یابی»، «خودش را بفهمد»، «خودمان را پیدا کنیم» و «خودی خود را بیابد» استفاده کرده است.

«خود شناسی»، در نگاه امام (ره) در دو بعد طرح می‌شود: یک بعد عرفانی که معتقد است؛ خودشناسی زمینه خدانشناسی است^۱ و هر کس خود را بشناسد تکبر نمی‌ورزد و گناه نمی‌کند و همین باعث تعالی او می‌شود و دیگری، بعد اجتماعی است که همین انسانی که با خود شناسی خدانشناس شده است نسبت به جامعه و هم نوع خود وظیفه دارد تا او را به خود شناسی راهنمایی کند که این شناخت ضمن خدا شناسی و پیدا کردن هویت خویش به توانایی‌های خود آشنا می‌کند و می‌تواند دشمنان استقلال خود را بشناسد و اجازه ندهد که حقوق او را ضایع کنند و امام (ره) به واسطه‌ی اینکه به غنای فرهنگ اسلامی اعتقاد عمیق دارد، معتقدند: که امکان استقلال وجود ندارد تا وقتی که ملت به فرهنگ اسلامی روی نیاورد.

۱) شناخت خود، مقدمه‌ی شناخت خدا:

«بعد از آنکه نفس خود را شناخت، در تکبر را بر روی آن می‌بندد و از گناهان می‌گریزد، و در تواضع و پشیمانی و شرم را (به روی آن) می‌گشاید و در طلب حسن عاقبت و لذت قرب به حق در انجام دستورات خدا و اجتناب از نواهی او می‌کوشد.» (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۲: ۲۰۷)

۲) یاد خدا مقدمه‌ی خودشناسی و خودکفایی و استقلال:

«وصیت من به همه آن است که با یاد خدای متعال به سوی خودشناسی و خودکفایی و استقلال، با همه ابعادش به پیش، و بی‌تردید دست خدا با شما است، اگر شما در خدمت او باشید و برای ترقی و تعالی کشور اسلامی به روح تعاون ادامه دهید.» (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹: ۱۱۸)

۳) خودشناسی مقدمه استقلال:

هیچ ملتی نمی‌تواند استقلال پیدا بکند آلا اینکه خودش، خودش را بفهمد. مادامی که ملت‌ها خودشان را گم کردند و دیگران را به جای خودشان نشانند، استقلال نمی‌توانند پیدا کنند. کمال تأسف است که کشور ما که حقوق اسلامی و قضای اسلامی و فرهنگ اسلامی دارد، این فرهنگ را، این حقوق را نادیده گرفته است و دنبال غرب رفته است. (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹، ج ۱۲: ۴)

۴) خود یابی مقدمه‌ی استقلال، آزادی و اداره مملکت خود:

«باید اگر ما بخواهیم استقلال پیدا کنیم، آزادی پیدا کنیم، مملکت خودمان را خودمان اداره کنیم، باید خودمان را پیدا کنیم، گم کردیم ما خودمان را، باید پیدا بکنیم خودمان را، باید از این غرب‌زدگی بیرون برویم.» (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹، ج ۱۰: ۳۸۷)

ب) خودباوری:

شناخت ویژگی‌های خود، پذیرش آنها و تکیه کردن به آنها به معنای خود باوری است. (roshd.ir) در منطق اسلامی، اساس هر خودباوری مبتنی بر اندیشه خدا باوری است که شخص داشته‌ها، گذشته و موفقیت‌هایش را با استناد بر خودباوری‌اش می‌بیند که این خودباوری، ریشه در تفکر الهی دارد. امام خمینی (ره) جامعه ایرانی را از خودباختگی به خودباوری رساند و باعث تحول عمیق فرهنگی در این حوزه شد. (www.yjc.ir)

امام خمینی (ره) با واژه‌های مانند: «باور کنیم که خودمان می‌توانیم»، «باید باورتان بیاید» «خود گم شده را پیدا کنیم» به خود باوری پرداخته است. در نگاه امام (ره) باور انسان اساس همه شکست‌ها و پیروزی‌ها است؛ و مهم داشتن باور توانستن است که مایه خودکفایی و خود اتکایی و استقلال می‌شود.

۱) خودباوری مقدمه خود اتکایی

«عمده این است که ما باور کنیم که خودمان می‌توانیم. اول هر چیزی، این باور است که می‌توانیم این کار را انجام بدهیم. وقتی این باور آمد، اراده می‌کنیم. وقتی این اراده در یک ملتی پیدا شد، همه به کار می‌ایستند، دنبال کار می‌روند. در هر صورت، این باور را باید از گوش [و مغز خودمان بیرون کنیم... خوب، دیدید که وقتی ملت خواست، شد. یک ملت وقتی یک چیزی را بخواهد (می‌شود)»، (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹، ج ۱۴: ۱۱۶)

۲) باور به ناتوان مقدمه وابستگی:

«اساس همه شکست‌ها و پیروزی‌ها از خود آدم شروع می‌شود. انسان، اساس پیروزی است و اساس شکست است. باور انسان اساس تمام امور است... کشورهای قدرتمند دنبال این بودند که با تبلیغات دامنه‌دار خودشان به ممالک ضعیف بیاورانند که ناتوان‌اند، ... این باور مادامی که در کشورهای جهان و کشورهای مستضعف هست، برای خاطر همین باور تا آخر مبتلا و وابسته هستند. (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹، ج ۱۴: ۳۰۶)

۳) خودباوری، مقدمه موفقیت و پیروزی:

«اول باید باورتان بیاید که ما هم انسانیم، ما هم قدرت تفکر داریم، ما هم قدرت صنعت داریم. این قدرت در همه افراد بشر بالقوه هست. اگر این باور برای شما پیدا شد [موفق خواهید بود].... اگر ملت این باور را داشته باشد که ما می‌توانیم در مقابل قدرت‌های بزرگ بایستیم، این باور اسباب این می‌شود که توانایی پیدا می‌کنند و در مقابل قدرت‌های بزرگ ایستادگی می‌کنند. این پیروزی که شما به دست آوردید، برای اینکه باورتان آمده بود که می‌توانید (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹، ج ۱۴: ۳۰۷)

۴) خودباوری، مقدمه‌ی رهایی از وابستگی:

«اگر افکار یک ملتی وابستگی به قدرت بزرگی داشته باشد، تمام چیزهای آن ملت، وابستگی پیدا می‌کند. عمده این است که افکار شما آزاد بشود، افکار شما از وابستگی به قدرت‌های بزرگ آزاد بشود. اگر افکار شما آزاد شد و باورتان آمد که ما می‌توانیم که صنعت‌مند و صنعت‌کار باشیم، خواهید بود. اگر افکارتان و باورتان این باشد که ما می‌توانیم مستقل باشیم و وابسته به غیر نباشیم، خواهید توانست. (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹، ج ۱۴: ۳۰۸)

ج) خود اتکایی:

«اتکال (بکسر همزه و تاء مشدد)؛ اعتماد کردن، توکل کردن، کار خود را به کسی وا گذاشتن و به او اعتماد کردن، تسلیم شدن، توکل کردم به خدا.» «اتکاء؛ (بکسر همزه و تاء مشدد)؛ تکیه کردن، تکیه داشتن،

پشت‌دادن و تکیه‌کردن به چیزی، پشت‌گرمی داشتن. «(بهشتی، ۱۳۶۵: ۵۴) «متکی (بضم میمو فتح تایی مشدد و کسر کاف)؛ تکیه دادن تکیه‌کننده، کسی که به دیگری تکیه و اعتماد کند.» (بهشتی، ۱۳۶۵: ۹۵۰)

جدول ۲- فراوانی واژگان در موضوع خود تکایی در آثار امام خمینی (ره)

تعداد	واژه	تعداد	واژه
۲۸۷	اتکال (توکل)	۱۴۳	اتکا و اتکاء (تکیه)
۱۶۲	متکی (توکل)	۷	اتکای و تکیه به اسلام
۱۲	اتکالتان اتکالشان و اتکالشان اتکالمان		

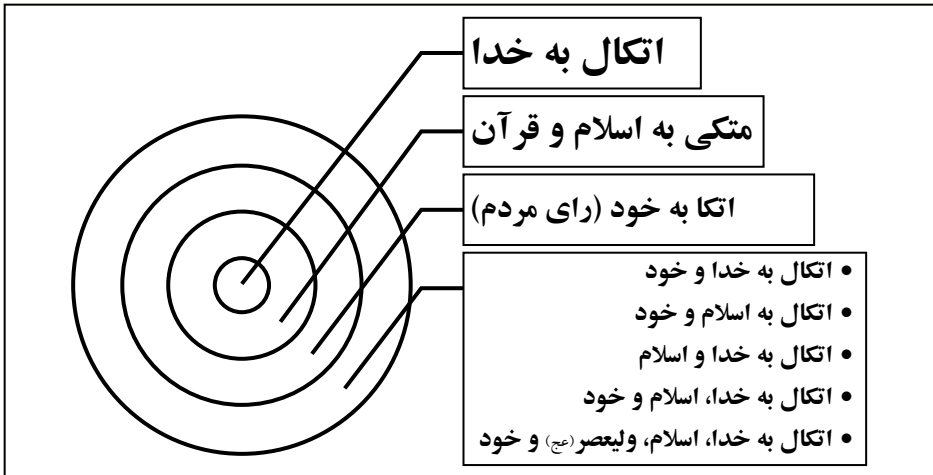
حضرت امام (ره) واژه اتکال را فقط برای خدا استفاده کرده‌اند و برای سایر پسوندها از واژگان متکی و اتکال و اتکاء استفاده کرده است. و اگر در جایی از واژه‌ی «اتکال به خود و مردم» استفاده کرده بلافاصله آن را به اتکال قدرت الهی متصل کرده است. (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹، ج ۱۰: ۴۰۲)

عباراتی همچون: «اتکا به خود»، «متکی به خود، متکی به رای ملت و مردم» در نگاه امام (ره) دارای یک محور است که همان خدا است. از این منظر، انسان مسلمان، متکی به فرهنگ اسلامی و قرآن و عترت و در نهایت، پیروز است و بر هر شرایط سخت و تلاش همه قدرت‌ها می‌تواند فائق آید و استدلال امام (ره) این است که چون خداوند قدرت برتر است و غیر او هیچ نیست هرکس به خدا توکل کند و به او اعتماد کند، پیروز است؛ مشروط به اینکه وحدت کلمه، صبر و استقامت پیشه کند. در واقع اتکا به خود در طول اتکال به خداست.

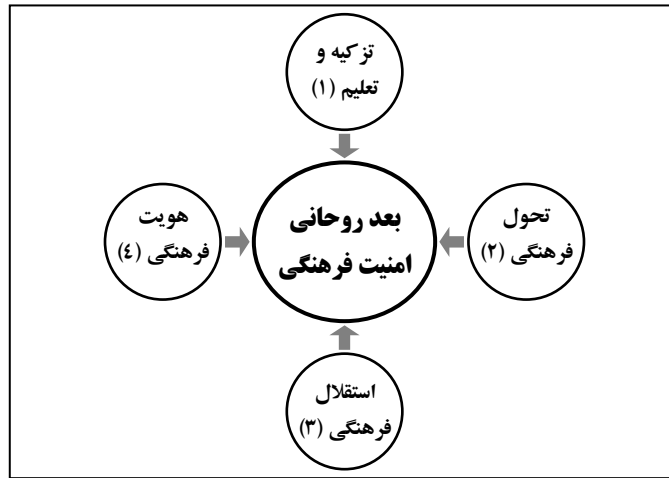
بنابراین، «اتکا به خود» به یک اعتبار اتکا به فرهنگ اسلامی و در نهایت تکال به خداست. امام (ره) برای این امر در پیروزی انقلاب، تشکیل حکومت و نظام‌سازی، موفقیت در جنگ و مقابله با مستکبرین جهانی نقش اساسی قائلند و معتقدند «اتکال به خدا» رمز موفقیت نه تنها برای ایران و همه مسلمانان جهان بلکه همه بشریت در آیند است و توصیه و تاکید امام به رهبران کشورهای مسلمان، اتکال به خدا و بازگشت به فرهنگ اسلامی و به رهبران کشورهای غیر مسلمان، اتکال به خدا برای موفقیت بر ظالمین آمده است.

«کارهای خودتان، خودتان عمل بکنید و اتکای خودتان را هر روز به خارج، کم بکنید» (امام خمینی

(ره)، ۱۳۸۹، ج ۱۶: ۸۴)



نمودار ۲- اتکا به عنوان بخشی از فرآیند شکل‌گیری هویت در اندیشه امام (ره)



نمودار ۳- مؤلفه‌های بعد روحانی امنیت فرهنگی از منظر امام خمینی (ره)

۲-۲- بعد طبیعی امنیت فرهنگی (رویکرد سلبی) (عشق به کمال غیرحقیقی) و (تنفر

از نقص غیرحقیقی):

در نگاه امام (ره) بعد طبیعی از فطرت محجوبه‌ی انسان است که این فطرت دارای سه قوه‌ی بهیمیه،

غضبیه و وهمیه است که این سه قوه همه افعال انسان نفسانی را شکل می‌دهند و به عبارت دیگر همه

رفتارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و زیست محیطی انسان متأثر از یک یا ترکیبی از این قوا است؛ لذا این بعد در تضاد با قوای رحمانیه یا روحانی قرار می‌گیرند و در بخش فردی و در اجتماعی، منشأ، همه نوع ظلم و ستم خواهد بود و فرهنگ حقیقی که از نگاه امام (ره) همان باور تعالی بخش به سوی خداست در تضاد با فرهنگ غیر حقیقی گرایش به ماسوای الله قرار می‌گیرد و در این منشأ همه گونه تلاش برای انحراف، استحاله، وابستگی، استعمار و... می‌شود

بنابراین، برای امنیت در همه موضوعات؛ از جمله امنیت فرهنگی باید بعد طبیعی و قوای فطرت محجوبه شناخت و با مقابله و اصلاح آن‌ها به امنیت رسید و نکته ویژه این است که نظر امام (ره) برخلاف همه صاحب نظران در حوزه امنیت تهدید را فقط از ناحیه خارج از مرزها نمی‌داند؛ بلکه در درون تک تک افراد بشر این تهدیدها را نهفته می‌داند؛ یعنی به همان اندازه که استعمارگران بیرون از مرزها تهدید به شمار می‌آیند، سران و افراد غیر مهذب داخل کشورهای اسلامی به واسطه حاکم بودن قوای جاهله بر آن‌ها به همان اندازه خطرناک‌اند. در زیر به صورت مختصر به قوای سه گانه‌ی نفسانی انسان، اشاره می‌شود:

برای انسان بعد از قوه عاقله سه قوه است: یکی قوه «واهمه» که از آن به شیطانیه تعبیر می‌شود. دیگری قوه «غضبیه» که از آن به نفس سبعی تعبیر شود؛ و سوم قوه «شهوویه» که از آن به نفس بهیمی تعبیر می‌شود. (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۸: ۲۷۷)

بدان که وهم و غضب و شهوت ممکن است از جنود رحمانی باشند و موجب سعادت و خوشبختی انسان گردند، اگر آن‌ها را تسلیم عقل سلیم و انبیای عظیم الشان نمایی. (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۰: ۱۶)

۱- قوه بهیمیه: شهوویه که آن را «نفس بهیمی» گویند و آن مبدأ شهوات و جلب منافع و مستلذات در مآکل و مشرب و منکح است.

۲- قوه سبعیه: دوم قوه‌ی غضبیه که آن را «نفس سبعی» گویند، و آن برای رفع مضارّ و دفع موانع از استفادات است.

۳- قوه وهمیه (شیطانی): (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۸: ۱۴۹) امام (ره) قوای استکبار را از جمله قوای شیطان می‌داند که با قوای رحمانی در جنگ هستند.

در آثار امام (ره) هر جا از قوای شیطانی و نیروی شیطان و کشور یا سیاستی را به شیطان نسبت می‌دهد منظور همان قوایی است که ریشه در بعد طبیعی انسان دارد و از فطرت محجوبه و قوای منشعب از آن نشأت گرفته است؛ به عبارت دیگر، ظهور و تجلی این قوا در عالم است و می‌فرماید:

«در مقابل یک قدرت شیطانی؛ مثل آمریکا و انگلستان به صراحت و شوروی هم پشتیبانی داشتند، همه قوای شیطانی دست به هم داده بودند در مقابل یک مشت ملت؛ لکن اینجا قوای رحمانی در کار بود. با خدای تبارک و تعالی هیچ کس نمی‌تواند ستیزه کند. اینجا دست غیبی الهی بود و تا این دست هست و تا این عنایت الهی هست شما پیروزید». (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹، ج ۷: ۵۵)

امام معتقدند اگر در شخصی قوای عقلانی بر قوای جهل و شیطانی سلطه پیدا کرد، آن انسان ساخته شده و این کار با فرهنگ ممکن است «اگر آدم، ما بسازیم، مملکت ما نجات پیدا می‌کند. همیشه آدم‌ها هستند که مقدرات کشورها را در دست می‌گیرند. منتها بعضی‌ها آدم‌های به صورت آدم و واقع شیطان، و بعضی‌ها آدم... اشخاصی که ملت‌ها را می‌توانند نجات بدهند... فرهنگی‌ها هستند. پس فرهنگ یک کارخانه آدم‌سازی است؛ (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹، ج ۷: ۴۲۷)

مظاهر رفتار انسان با فطرت طبیعی که تابع قوای فوق است و امنیت فرهنگی را به خطر می‌اندازد عبارتند از:

۱-۲-۲- دنیا پرستی:

از منظر امام، بخشی از دنیا که در خدمت نفس بهیمیه قرار می‌گیرد منفور است و همین امر چه فردی باشد و چه اجتماعی مایه همه بدی‌هاست و امام ریشه همه ظلم‌هایی که توسط جهان خواران به بشر می‌شود را دنیا طلبی و کمال طلبی، در دنیا طلبی که نشأت گرفته از فطرت محجوبه است می‌داند در این موضوع نکته مهم باور به اصالت دنیا است؛ و جایگزین کردن آن با اصالت واقعی و همه گونه تلاش علمی و عقلی برای تئوریزه کردن و باور پذیر کردن اصالت دنیا و لذت‌های محدود آن است؛ و به تبع این فرآیند است که همه گونه ستم به بشریت تحمیل می‌شود به عنوان مثال اگر این باور نبود استعمار کشورها و ملت‌ها صورت نمی‌گرفت از این منظر دنیا طلبی می‌تواند به عنوان مؤلفه‌ای از بعدی طبیعی امنیت فرهنگی باشد.

«آن وحشی خونخوار آدم کش کمال را به آن داند که غلبه پیدا کند به جان و ... مردم، و خونخواری و آدم کشی را کمال تشخیص داده و بدان صرف عمر کند؛ و آن دنیا طلب جاه و مال خواه کمال را به مال و جاه داند و عشق به آن دارد. بالجمله، صاحب هر مقصدی، مقصد خویش را کمال و صاحب آن مقصد را کامل داند و عشق به آن دارد» (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۲: ۱۱۷)

امام هرچه انسان را به غیر خدا رهنمون کند را مانع می‌داند؛ حتی علم توحید را که آن را حجاب ظلمانی می‌نامد و می‌فرماید: «علمی که انسان را به خدا نزدیک می‌کند، در نفس دنیا طلب، باعث دوری

بیشتر از درگاه ذی الجلال می‌گردد. علم توحید هم اگر برای غیر خدا باشد، از حجب ظلمانی است» (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۸: ۱۸)؛ بنابراین، مقصد در هر چیز، مهم است و تعیین کننده‌ی ارزش تلاش‌ها است. «دنیا دوستی منشأ هر گناه است.» (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۰: ۱۲۱) امام، دوری از دنیا طلبی را شرط ولایت فقیه می‌داند؛ هر چند از امور مباح باشد و آورده است: «آن آدمی که می‌خواهد ... ولیّ امر مسلمین و نایب امیرالمؤمنین باشد و در اعراض، اموال و نفوس مردم، مغانم، حدود و امثال آن، دخالت کند، باید منزّه بوده، دنیا طلب نباشد. آن کسی که برای دنیا دست و پا می‌کند، هر چند در امر مباح باشد، امین الله نیست، و نمی‌توان به او اطمینان کرد. (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۸: ۱۴۶)

کمال طلبی حقیقی و رسیدن به سعادت، با دنیا دوستی نا سازگار است و «تمام گرفتاری‌های بشر از این تعلقات است. اگر این تعلقات نبود، اگر این توجه به دنیا و تعلق به دنیا نبود، ما این قدر گرفتاری ... نداشتیم.» امام (ره) استکبار جهانی و صهیونیسم را در تقسیم بندی کلان از نظر سیاسی در طیف پیروان فطرت محجوبه و طبیعی می‌شمرد و معتقد است: «برادران فلسطینی و لبنانی ما که گرفتار دنیاخواران هستند» (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹، ج ۹: ۲۳۹)

در مجموع، می‌توان گفت؛ همه‌ی مؤلفه‌هایی که برای بعد طبیعی امنیت فرهنگی در نگاه امام (ره) وجود دارد و در آثارش به آن پرداخته، در بستر دنیا پرستی جریان دارد مؤلفه‌هایی مانند: فرهنگ استعماری، وابستگی فرهنگی، استحاله فرهنگی، خودباختگی، وابستگی فکری و انحراف فرهنگی

۲-۲-۲- وابستگی فکری

در نگاه امام (ره) وابستگی فکری در ذات بد نیست، بلکه آن وابستگی بد است که؛ اولاً این وابستگی بدون اراده باشد، در ثانی وابستگی به فرهنگی باشد که آن فرهنگ برخاسته از فطرت محجوبه یا طبیعی و غیر حقیقی باشد. به بیان دیگر اگر انسانی با هوشیاری و اختیار وابستگی به فرهنگ متعالی داشته باشد نه تنها مذموم نیست بلکه مورد ستایش است ولی عدم اختیار و وابستگی فکری به فرهنگ نشأت گرفته از بعد طبیعی انسان می‌باشد- نه تنها در سطح فردی بلکه در سطح ملی امری ناپسند است.- از نظر امام (ره) بزرگ‌ترین تهدید فرهنگی، «وابستگی» است و آن را برای ملت فاجعه می‌نامد. «بزرگ‌ترین فاجعه برای ملت ما این وابستگی فکری است» و «اگر ما از وابستگی فکری بیرون بیاییم، همه وابستگی‌ها تمام می‌شود. اینکه ما وابسته شدیم، در اقتصاد وابسته هستیم، در فرهنگ وابسته هستیم، در همه چیز وابسته هستیم، مبدأ این همین است که در فکر وابسته هستیم.» (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹، ج ۱۰: ۵۳)

نکته دیگر اینکه این فرهنگ در عین طبیعی بودن کمال طلب است ولی در کمال غیر حقیقی و تنفر از نقص غیر حقیقی دارد. که این تنفر از نقص غیر حقیقی در تضاد با کمال طلبی و تنفر از نقص حقیقی است و این نقطه رویارویی دو فطرت مخموره و محجوبه است؛ و امنیت فرهنگی را تکیه زدن به فرهنگ اسلام که مبتنی بر فطرت مخموره است می‌داند.

«از مردم می‌خواهیم تا بر پایه‌های اسلامی خویش تکیه زنند و بر غرب و غرب‌زدگان که موجب نابودی فرهنگ آنان شده است پشت پا زنند. خود را از وابستگی نظامی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به هر وسیله که شده است نجات می‌دهیم» (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹، ج ۵: ۱۳۳)

۳-۲-۲- انحراف فرهنگی:

امام (ره) انحراف را درمان ناپذیر می‌داند و معتقدند؛ اگر انحراف در نظامی وارد شده به صورت تدریجی بر همه چیز غلبه خواهد کرد و هشدار می‌دهد: «درباره فرهنگ هر چه گفته شود کم است؛ و می‌دانید و می‌دانیم اگر انحرافی در فرهنگ یک رژیم پیدا شود و همه ارگان‌ها و مقامات آن رژیم به صراط مستقیم انسانی و الهی پایبند باشند، و به استقلال و آزادی ملت از قیود شیطانی عقیده داشته باشند و آن را تعقیب کنند، و ملت نیز به تبعیت از اسلام و خواسته‌های ارزنده‌ی آن پایبند باشد، دیری نخواهد گذشت که انحراف فرهنگی بر همه غلبه کند، و همه را خواهی نخواهی به انحراف کشاند» (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹، ج ۱۷: ۳۲۲)

۴-۲-۲- خودباختگی

مؤلفه دیگری که امام در حوزه‌ی فرهنگ قائل هستند خودباختگی است. مقام معظم رهبری در این موضوع می‌فرماید: «القاء خودباختگی از عناصر مهم در تهاجم فرهنگی است». (دیدار از دانشگاه امام صادق (ع) ۱۳۸۴/۲/۲۹) از این بیانات استنباط می‌شود که خودباختگی نوعی وادادگی، از دست دادن اراده، مسخ شدگی، علینه شدن و زمینه ساز تهاجم فرهنگی و در نهایت تسلیم شدن است. امام (ره) در تبیین خودباختگی می‌فرماید: «این جوان‌های گول‌خورده ما، خودشان را گم کردند. الان خودشان، خودشان نیستند. مغز این‌ها شده یک مغز شرقی یا یک مغز غربی. بیش از این نمی‌توانند ادراک کنند، نمی‌توانند بفهمند، که ما هم خودمان کشوری هستیم؛ و ما هم خودمان باید استقلالی داشته باشیم؛ و ما خودمان هم فرهنگی باید داشته باشیم؛ و فرهنگ ما فرهنگ غنی است، نمی‌توانند این‌ها ادراک کنند» (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹، ج ۱۰: ۵۲)

۵-۲-۲- استتاله فرهنگي

استتاله، به معنی جایگزین کردن تدریجی کمال طلبی غیر حقیقی به جای کمال طلبی حقیقی است. مقام معظم رهبری در استتاله‌ی نظام اسلامی؛ «آن را از حقیقتش، از روش و از هویت واقعی‌اش تهی کردن توصیف می‌کند».

و آن را تهدیدی بزرگ معرفی می‌کند «امروز جهان اسلام دچار مشکلات بزرگ و تهدیدکننده‌ایی است ... شاید برخی ملت‌ها را به کلی استتاله کرده، خصوصیت اسلامی آنان را با تحمیل و ترویج نیمه‌ی فاسد و مفسد فرهنگ غربی، به تدریج نابود خواهند ساخت». (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۲: ۲۰)

امام (ره) تهدید دیگری که در حوزه فرهنگ معرفی می‌کند؛ استتاله است (تبدیل تدریجی حلال به حرام و برعکس).

۶-۲-۲- وابستگی فرهنگی

از جمله مؤلفه‌های فرهنگ مبتنی بر فطرت محجوبه وابستگی فرهنگی است که در بیانات امام (ره) وابستگی (فرهنگی) سرمنشأ همه‌ی وابستگی‌هاست و در این خصوص می‌فرمایند:

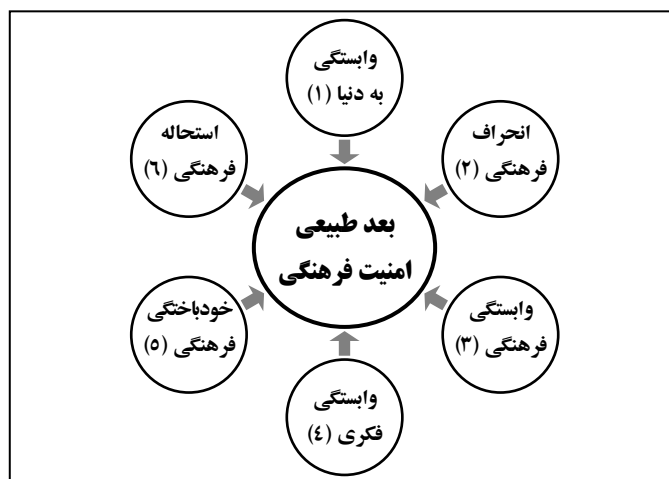
«افکار جوان‌های ما، پیرمردهای ما، تحصیل‌کرده‌های ما، روشنفکرهای ما، بسیاری از این افکار؛ وابسته به غرب است، وابسته به امریکاست؛ و لهذا حتی آن‌هایی که سوء نیت ندارند و خیال می‌کنند می‌خواهند خدمت بکنند به مملکت خودشان، از باب اینکه راه را درست نمی‌دانند و باورش‌ان آمده است که ما باید همه چیز را از غرب بگیریم، این وابستگی را دارند؛ و این وابستگی سرمنشأ همه وابستگی‌هاست که ما داریم. اگر ما وابستگی فرهنگی را داشته باشیم، دنبالش وابستگی اقتصادی هم هست؛ وابستگی اجتماعی هم هست؛ سیاسی هم هست. همه این‌ها هست.» (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹، ج ۱۰: ۳۵۶)

از جمله تهدیدات فرهنگ، استعماری بودن آن است که در بیانات امام (ره) با عباراتی مانند: «فرهنگ ما فرهنگ استعماری است»، «مصیبت بزرگ برای مسلمین همین (سلطه) فرهنگی است» و «دانشگاه، بهترین راه حمله به فرهنگ ملت‌ها»، تسلط بیش از یک قرن فرهنگ غرب بر کشور خصوصا تلاش منسجم در پنج دهه (۱۳۰۰-۱۳۵۰) به مرور، باعث فرسایش فرهنگ ملی و تقویت فرهنگ غرب در ایران شده بود و تئوریزه کردن فرهنگ‌پذیری بیگانه در کشور منجر به وابستگی فرهنگی در بین نخبگان شده تا جایی که فرنگی شدن یک افتخار محسوب می‌شد.

در عوض توده‌ی مردم از وابستگی در همه ابعاد خصوصا فرهنگی به بیگانگان سرخورده بودند و همین امر یکی بسترهای شکل‌گیری انقلاب اسلامی شد و امام به عنوان طلایه‌دار انقلاب فرهنگی به شدت به دنبال زدودن غبار فرهنگ‌های استعماری از ابعاد کشور بود و رهایی از وابستگی به فرهنگ غرب و شرق را مکرر تاکید می‌کرد؛ و می‌فرمودند:

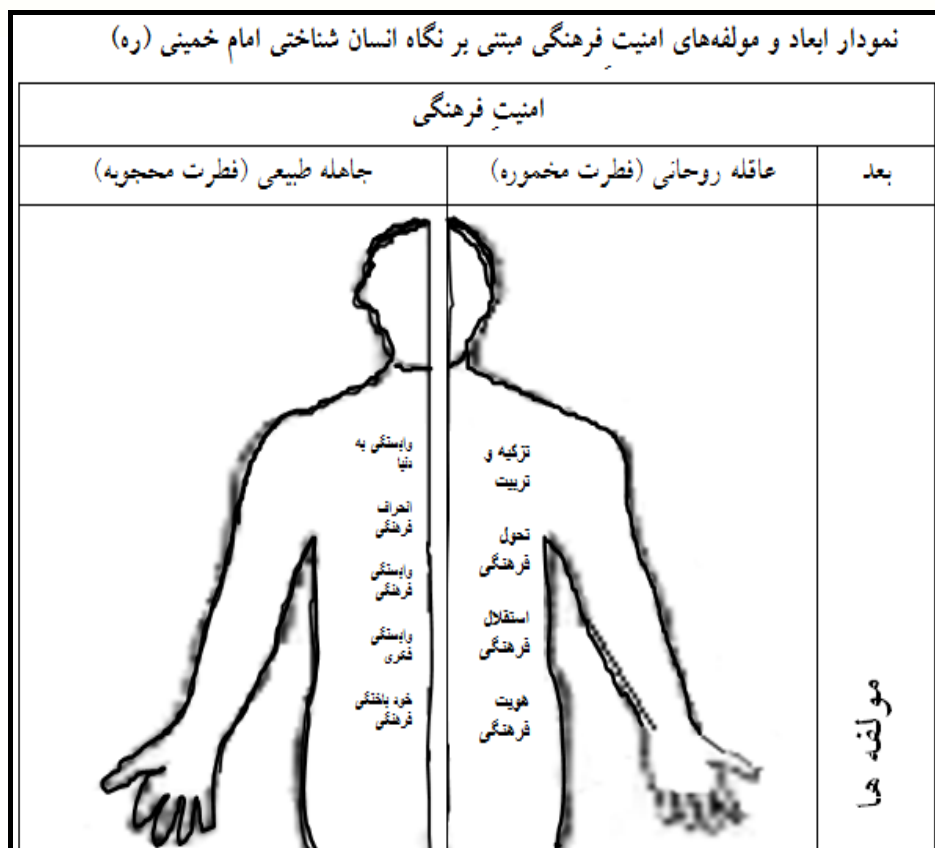
«شما خود، بهتر از هر کس باید بدانید که ملت قیام کرده است تا غبار فرهنگ‌های استعماری را از خود بزداید. ما باید عقاید استعماری را با هر شکل و فرمش در نطفه خفه کنیم». (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹، ج ۶: ۲۶۵)

«این مغزهایی که در طول پنجاه و چند سال حکومت جائرانه و سلطه اجانب باید بگوییم غرب‌زده شدند نجات بدهید... و نجات جوان‌های ما از این وابستگی به غرب. (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹، ج ۱۰: ۳۵۶)



نمودار ۳- مؤلفه‌های بعد طبیعی امنیت فرهنگی از منظر امام خمینی (ره)

مؤلفه‌های بعد طبیعی در حوزه‌ی فرهنگ، اموری است که به عنوان تهدید باید آن‌ها را رفع نمود (سلبی) و مؤلفه‌های بعد روحانی حوزه فرهنگ که به واسطه تلاش قوه‌ی عاقله پدید می‌آیند، باید توسعه داده شوند (ایجابی) تا در نتیجه‌ی این تلاش در فرهنگ، امنیت فرهنگی محقق شود.



فرهنگ، اساسی‌ترین نیاز جامعه‌ی بشری و عامل اصلی پویایی، نشاط و تداوم حیات جوامع بشری و وجه تمایز انسان و حیوان است. مطابق نگاه انسان‌شناختی امام خمینی (ره)، فرهنگ مانند سایر ابعاد، ریشه در درون انسان دارد و از فطرت او ناشی می‌شود؛ به عبارتی دیگر، همه‌ی رفتارهای انسان، تجلی درونی اوست.

نتیجه‌گیری:

امنیت و نا امنی در همه‌ی ابعاد حیات بشر از جمله امنیت فرهنگی، ریشه در درون انسان دارد و مطابق نظر امام (ره) انسان دارای دو فطرت طبیعی و روحانی است که قوه‌ی جهل و قوه‌ی عقل به عنوان لشکریان این دو فطرت، عمل می‌کنند. هر گاه قوه طبیعی با لشکریان جاهله بر انسان‌ها جامعه حاکم شوند

نا امنی در همه ابعاد از جمله در فرهنگ حاکم می‌شود و اگر قوه عاقله و بعد روحانی بر فرد و جامعه حاکم شود، امنیت همه ابعاد از جمله فرهنگ تأمین می‌شود. مطابق نظر امام (ره)، رویکرد ایجابی در امنیت فرهنگی بر رویکرد سلبی ارجحیت دارد ولی با این وجود باید مؤلفه‌های تهدید امنیت فرهنگی که ذیل بعد طبیعی قرار دارند را رفع نمود و با توسعه‌ی مؤلفه‌های تأمین کننده، امنیت فرهنگی را تحقق بخشید.

کتابنامه

قرآن مجید

امام خمینی (ره) (۱۳۸۱) *تقریرات فلسفه امام خمینی قدس سره*، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران

امام خمینی (ره) (۱۳۷۵)، *تفسیر سوره حمد* (تقریر بیانات امام (ره))، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران

امام خمینی (ره) (۱۳۷۲) *آداب الصلاة* (آداب نماز)، موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره)، تهران

امام خمینی (ره) (۱۳۸۹) *صحیفه امام* (بیانات و مکتوبات)، ج ۳، ج ۴، ج ۵، ج ۶، ج ۷، ج ۸، ج ۹، ج ۱۰، ج ۱۱، ج ۱۲، ج ۱۳، ج ۱۴، ج ۱۵، ج ۱۶، ج ۱۷، ج ۱۹، ج ۲۱، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران
امام خمینی (ره) (۱۳۸۹)، *وصیت‌نامه سیاسی-الهی امام (ره)*، تسنیم، تهران

امام خمینی (ره) (۱۳۸۸)، *ولایت فقیه، حکومت اسلامی*، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران

امام خمینی (ره) (۱۳۸۸)، *جهاد اکبر یا مبارزه با نفس*، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران
امام خمینی (ره) (۱۳۸۸)، *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران

امام خمینی (ره) (۱۳۸۰)، *شرح چهل حدیث* (اربعین حدیث)، موسسه نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران
بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار عالمان و روحانیون تبریز، ۱۳۷۲/۵/۵.

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۹/۹/۱۹.

افتخاری، اصغر (۱۳۹۱) *امنیت (مفاهیم بنیادین علوم انسانی اسلامی)*، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران
آشنا، حسام‌الدین (۱۳۸۸) *امنیت فرهنگی: مفهومی فراسوی امنیت ملی و امنیت انسانی*، راهبرد فرهنگ، شماره پنجم

حجازی، سید حسین (۱۳۸۳) *دکترین امنیت ملی روسیه؛ ریشه‌ها، عناصر و آرمان‌ها*؛ کتاب (CIS)
کشورهای مستقل مشترک‌المنافع جلد دوم، مؤسسه فرهنگی مطالعات تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، تهران

- حسین زاده، مصطفی (۱۳۸۹/۳/۳۱) *مطالعات اجتماعی/امنیت/امنیت فرهنگی* روزنامه /رسالت صالحی امیری، سید رضا (۱۳۸۶)، *مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی*، تهران: ققنوس.
- عبداله‌خانی، علی (۱۳۸۳) *نظریه‌های امنیت* (مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی) موسسه ابرار معاصر تهران، تهران، تهران
- گلمحمدی، یحیی (۱۳۸۳)، *مقاله «جهانی شدن و فرهنگ»*، کتاب «مجموعه مقالات فرهنگ در عصر جهانی شدن، چالش‌ها و فرصت‌ها»، گردآوری: محمد توحید فام.
- ماندل، رابرت، (۱۳۷۹) *چهره متغیر امنیت ملی*، ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم، مطهری، مرتضی (۱۳۷۲) *مجموعه آثار استاد مطهری*، ج ۳، انتشارات صدرا، تهران

<http://daneshnameh.roshd.ir>

<http://vom.ir/index.php> (حامد محقق)

<http://www.yjc.ir> (شاه‌آبادی)

zamaneh.info/articles (دکتر علی عسگری)

